

داوری و اصول داوری در دعاوی و اختلافات

خداداد خدادادی دشتکی^۱، بهرام تقی بیگلو^۲، پژمان الهامی طالشمیکائیل^۳

^۱ استادیار گروه حقوق دانشگاه پیام نور

^۲ کارشناس ارشد حقوق گرایش بین الملل دانشگاه پیام نور مرکز قزوین

^۳ کارشناس ارشد حقوق گرایش بین الملل دانشگاه پیام نور مرکز قزوین

چکیده

باتوجه به تغییرات و رویه جدید در سیستم قضایی کشور و جلوگیری از ورود پرونده های قضایی و انباشته شدن آن به سیستم دستگاه قضایی (دادگاه ها) و پیگیری از آن، شورای حل اختلاف در خط مقدم این سیستم قرار گرفته است و پرونده پس از ورود اولیه به سیستم قضایی و صدور دستورات لازم قضایی به شورای حل اختلاف ارجاع می گردد که از وظایف اولیه شورا، که از نامش مشخص است حل اختلاف و دعاوی که می تواند به راحتی در آنجا مطرح و طرفین به راحتی اظهارات و خواسته های خود را بیان و پس از چندین مرحله به صلح و سازش منجر و اگر نتیجه ای حاصل نشود با اعلام نظر نهایی شورا و رای اولیه شورا به دادگاه جهت خواست تصمیم و صدور رای منجر می شود. که در این روش تجربه نشان داده است که اکثر پرونده های لاینحل در شورای حل اختلاف به نتیجه مثبت منجر می گردد. در این سیستم پرونده هایی وجود دارد که نیاز به انتخاب داور است، طرفین دعوا بایستی در وقت مقرر داور خویش را انتخاب و در جلسه شورا حاضر نمایند که انگیزه و هدف از آن نهایت تلاش در هرگونه اختلاف خانوادگی و غیره می باشد، و چنانچه اگر کسی به نظر داور اعتراض داشته باشد کتبا ارائه نموده و پرونده جهت تصمیم با نظر نهایی شورا به دادگاه ارسال می شود البته داور بایستی با در نظر گرفتن وجدان و رعایت کامل بی طرفی و تحت تاثیر هیچگونه مسائلی قرار نگیرد، و وجدان خویش را به عنوان قاضی به واقعیت مسئله بپردازد و هدف اصلی صرفا حل موضوع و انعکاس اصل قضیه طرفین دعوا باشد. در حالت کلی قضیه داوری و یا اعتراض به رای داور و شورای حل اختلاف همگی در زیر مجموعه دستگاه قضایی بوده که بایستی تمام تلاش و حرکت به طرف حل مسائل و مشکل و شکایت طرفین سوق داده شود در جایی که منجر به مختومه پرونده و رضایت طرفین پرونده نباشد جهت هرگونه رسیدگی و صدور رای قانونی به دادگاه ارسال می گردد.

واژه های کلیدی: انتخاب داور، میانجیگری، شوراهای حل اختلاف، اعتراض به رای داوری

مقدمه

داوری یکی از مهمترین راهکارهای سرعت بخشیدن به حل و فصل اختلافات حقوقی افراد، ایجاد نظم عمومی، حقوقی و کاهش بار محاکم قضایی است. داورى یک نوع دادرسی اختصاصی به شمار میرود. طرفین هر قرارداد منعقد شده همواره ممکن است با یکدیگر اختلاف پیدا کنند و ناگزیر از مراجعه به مرجعی برای حل این اختلاف باشند. یکی از روشهایی که از قدیم در خصوص حل اختلاف مورد استفاده قرار میگرفت، مراجعه به دادگستری بود. در کنار این روش، امروزه یکی از راههای حل و فصل اختلافات در دعاوی، استفاده از شرط داوری است. واژه ی داوری از نظر حقوقی به معنی حل اختلافات میان طرفین توسط شخصی که خودش قاضی نباشد و بدون رعایت تشریفات رسمی رسیدگی در دادگاههاست. در میان مجموعه قوانین کشور از گذشته های دور، موضوع داوری دارای اهمیت خاصی بوده است. امروزه در خصوص داوری داخلی قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ و در ارتباط با داوری های خارجی قانون داوری تجاری بین المللی ۱۳۷۶ حاکم است. آنچه که دقیقاً معلوم نیست، سرآغاز و منشاء داوری است؛ ولی آنچه که مسلم است اینکه داوری حتی قبل تر از دادرسی وجود داشته است، چرا که قبل از ایجاد تشکیلات قضایی؛ داوری وسیله ای برای حل و فصل اختلافات بوده و طبق آنچه که در کتب آمده از اوایل قرن بیستم داوری برای حل و فصل اختلافات تجاری بین المللی بیش از پیش مورد توجه تجار و بازرگانان قرار گرفت به گونه ای که هم اکنون عضو جدا نشدنی حقوق تجارت بین الملل است.

نهاد داوری را نویسندگان از جهات گوناگون تقسیم کرده اند. به عنوان مثال یکی از مهمترین این تقسیمات، تقسیم داوری به دو دسته ی داخلی و خارجی است. منظور از داوری داخلی، داوری در داخل کشور میان اتباع همان کشور و بر اساس قوانین داخلی آن کشور است و منظور از داوری خارجی، جایی است که طرف اختلاف یک تبعه ی خارجی باشد. تقسیم دیگر، تقسیم داوری به داوریهای خاص یا موردی و داوریهای نهادی یا سازمانی است. داوری خاص (موردی) که در آن هیچ سازمان یا نهادی برای انجام داوری تشکیل نمیشود و طرفین اختلاف با تشکیل یک داوری مخصوص به خود، قواعد رسیدگی آن را مشخص میکنند و پس از رسیدگی به موضوع اختلاف با صدور رأی، داوری منحل میشود. در حالیکه در داوری سازمانی یا نهادی، یک سازمان برای داوری ایجاد میشود و داوری تحت نظارت و قواعد آن سازمان صورت می پذیرد و آن سازمان یا نهاد پس از داوری هم همچنان باقی است و برای خود قواعد خاصی دارد.

۱- انتخاب و تعریف داور

کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوی دارند میتوانند منازعه و اختلاف خود را اعم از اینکه در دادگاههای دادگستری یا شورای حل اختلاف طرح شده یا نشده باشد به داوری ارجاع نمایند و اگر دعوی در دادگستری طرح شده باشد تراضی نمایند که یک یا چند نفر بعنوان داور به موضوع رسیدگی کنند. واژه داور یعنی صاحب داد، قاضی، عادل، انصاف درباره نزاع و مرافعه و اختلاف دو یا چند نفر، بنابراین منظور از داوری یعنی حکمیت و از نظر حقوقی و قواعد دادرسی مدنی به معنی فصل خصومت توسط غیر قاضی و بدون رعایت تشریفات رسمی. به بیان دیگر، داوری عبارت است از رفع اختلاف فی مابین اصحاب دعوی از طریق واگذاری آن به حکمیت اشخاصی که طرفین دعوی آنها را به تراضی خود انتخاب می کنند. در میان مجموعه قوانین کشور از گذشته های دور موضوع داوری دارای اهمیت خاصی بوده است و در ماده ۶ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۷۳ اصطلاح قاضی تحکیم بکار برده است. منظور از قاضی تحکیم کسی است که رضایت دارد تا از جانب شخص یا اشخاص در دعوا یا دعاوی معین که او در آن دخالت دارد داوری کند. امروزه در خصوص داوری داخلی، قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۷۹ حاکمیت دارد و شامل ۴۸ ماده و ۶ تبصره یعنی از ماده ۴۵۴ الی ۵۰۱۱ است.

۱-۱ انواع داوری

داوری اختیاری و داوری اجباری

۱- داوری اختیاری: زمانی که ما قراردادی منعقد کنیم می توانیم در لایه بندی های قرارداد به این نکته اشاره نماییم که در صورت بروز اختلاف، آنرا از طریق داور یا داوران منتخب حل و فصل کنیم و یا اینکه ضمن یک توافقنامه داوری یا قرارداد جداگانه توافق کنیم حل اختلاف خویش را از طریق داوری حل نماییم. در این صورت، در هنگام انعقاد قرارداد ذکر نکاتی مانند مواردیکه به داوری ارجاع می شود، مشخصات داور یا داوران بطوریکه هر گونه ابهامی را در این زمینه مرتفع سازد و همچنین تعداد داوران در صورت تعدد داور در حل اختلاف الزامیست، بهتر است که تعداد آنها را سه نفر یا از عدد فردی استفاده شود تا مشکلی در تصمیم گیری بوجود نیاید.

۲- داوری اجباری

در برخی از موارد دادگاه حل یک مسئله را با توجه به اوضاع و احوال آن از طریق داوری به مصلحت می بیند و موضوع را برای حل اختلاف به داوری ارجاع می دهد. این مورد را داوری اجباری می گویند چرا که طرفین

دعوا در این امر هیچ نقشی ندارند این نوع داوری فقط در موردی که قانونگذار مشخص کرده است مورد استفاده می شود. ارجاع امر به داوری نسبت به رسیدگی در دادگاه دارای امتیازاتی است از جمله اینکه طرفین قاضی رسیدگی کننده به دعوای خود را انتخاب می نمایند در نتیجه پذیرش رای صادره برایشان آسان تر خواهد بود هرچند که به ضرر یکی از آنان باشد در صورتی که در رسیدگی قضایی در دادگاه ها این امکان وجود ندارد. علاوه بر این داور می کوشد تا اصحاب دعوا را به یکدیگر نزدیک سازد و این امر موجب نزدیکی و حسن تفاهم نسبی طرفین می شود.

۲-۱ تعیین داور در محکمه قضایی

یکی از مهمترین راهکارهای سرعت بخشیدن به حل و فصل اختلافات حقوقی افراد، داوری است که ایجاد نظم عمومی، حقوقی و کاهش بار مسایل حقوقی و قضایی را به دنبال خواهد داشت. در حقیقت داوری یک نوع دادرسی اختصاصی به شمار می رود، چرا که بر اساس ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی مدنی داوران در رسیدگی و رای تابع مقررات قانون آیین دادرسی نیستند. اما باید مقررات مربوط به داوری را رعایت کنند. مقررات داوری در قرارداد داوری که مابین طرفین منعقد شده است، مشخص می شود و اگرچه در نهایت رای داور باید مبتنی بر موازین حقوقی باشد، اما چون شان اصلی داور، فصل دعوا با توجه به قرارداد داوری است، بنابراین رای داور تنها در مواقع محدودی که در ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی بیان شده، قابل اعتراض است و نمی توان آن را با آرای صادره از سوی مراجع قضایی که تقریباً در تمامی موارد قابل اعتراض و تجدیدنظرخواهی هستند، مقایسه کرد. داور یا داوران ممکن است توسط طرفین قبل یا بعد از بروز اختلاف تعیین شوند یا ممکن است انتخاب داور به شخص ثالثی واگذار شده باشد یا در مواردی توسط دادگاه تعیین شود.

۳-۱ موارد قابل اجرا نبودن رای داوری

بر اساس ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی، رای داوری در موارد زیر باطل است و قابلیت اجرایی ندارد:

۱- رای صادره مخالف با قوانین موجد حق باشد.

۲- داور نسبت به مطلبی که موضوع داوری نبوده، رای صادر کرده است.

۳- داور خارج از حدود اختیار خود رای صادر کرده باشد در این صورت فقط آن قسمت از رای که خارج از اختیارات داور است ابطال می شود.

۴- رای داور پس از انقضای مدت داوری صادر و تسلیم شده باشد.

۵- رای داور با آنچه در دفتر املاک یا بین اصحاب دعوا در دفتر اسناد رسمی ثبت شده و دارای اعتبار قانونی است مخالف باشد.

۶- رای به وسیله داورانی صادر شده که مجاز به صدور رای نبوده‌اند.

۷- قرارداد رجوع به داوری بی اعتبار بوده باشد.

۲- میانجیگری

میانجیگری نهادی است شبیه داوری و در راستای کاهش مراجعات مردم به دادگستری و حل اختلافات بصورت خصوصی. میانجی‌گری یکی از روش‌های حل اختلاف است که در آن یک شخص ثالث به نام میانجی به طرفین اختلاف در رسیدن به توافق کمک می‌کند. میانجی‌گری ممکن است به توافق طرفین نینجامد و بی نتیجه بماند، در صورت موفقیت در دستیابی به توافق نیز مفاد آن معمولاً از سوی خود طرفین تعیین شده‌است. طرفین اختلاف ممکن است کشورها، سازمان‌ها، گروه‌ها، افراد یا هر شخص دیگری باشند که میانجیگری منفعتی را برای آنان در پی خواهد داشت. آنان می‌بایست میانجی را شخصی بی طرف بدانند میانجی‌گری در موضوعات مختلف مورد اختلافی کاربرد دارد، از جمله؛ مسائل تجاری، حقوقی، دیپلماتیک، کاری و خانوادگی. در میانجیگری برخلاف داوری و ارزیابی کارشناس، پذیرش نظر شخص ثالث برای طرفین الزامی نیست بلکه کار میانجی فراهم آوردن امکان مذاکره طرفین و کشف دقیق موارد اختلاف و رسیدن آن‌ها به بهترین راه حل ممکن است. میانجیگری بیشتر در اختلافات پیچیده‌ای که نیاز به گفتگوی غیررسمی طرفین دارد، مفید است.

۱-۲ تاریخچه میانجیگری

میانجی‌گری در دوران‌های بسیار قدیم مشاهده شده است مورخان اولین موارد آن را در تجارت فینیقی‌ها ذکر کرده‌اند. در یونان باستان این عمل شروع شده که واسطه‌های غیر ازدواجی را به عنوان یک proxenetas می‌شناختند. پس از آن در تمدن روم (در قوانین روم که شروع شده‌اند از یوستینیانوس از ۵۳۳-۵۳۰) میانجی‌گری یک امر شناخته شده‌است. رومی‌ها برای میانجی‌گران نام‌های گوناگونی داشته‌اند که از آن جمله می‌توان به: متوسط، شفاعت، میانجی، نیکوکار و در نهایت واسطه اشاره کرد در برخی از فرهنگ‌ها میانجی به عنوان یکی از چهره‌های مقدس شایسته احترام ویژه‌ای است. و نقش آن تا حدی با نقش خردمندان سنتی یا رئیس قبیله همپوشانی دارد. این افراد اغلب در جوامع آرامش و صلح را به ارمغان می‌آورده‌اند و پیش از رهبران محلی و خردمندان به حل و فصل اختلافات می‌پرداخته‌اند. این روش مسالمت‌آمیز حل و فصل منازعات در جوامع کنفوسیوسی و بوداییستی شایع بوده‌است.

۲-۲ اصول میانجی‌گری

اصول میانجی‌گری شامل عدم خصومت، پاسخگویی، خودتعیین‌کنندگی و استقلال طرفین را شامل می‌شود. عدم خصومت بر فرایند واقعی میانجی‌گری متکی است؛ و طرفین را به عنوان همکارانی در ایجاد یک توافق در نظر می‌گیرد. در مقابل قضاوت تصریحا خصمانه است از این رو که هرطرف سعی می‌کند طرف مقابل را از منظر خود محکوم کند. میانجی‌گری برای رسیدن به توافق به جای برنده و بازنده بودن طراحی می‌شود. پاسخگویی به طرفین اجازه می‌دهد که ورای قوانین سخت سیستم قضایی راه‌حلهایی را جستجو کنند. فرایند میانجی‌گری پاسخگو همچنین غیررسمی، منعطف و مشارکتی است. خودتعیین‌کنندگی و استقلال طرفین به طرفین اجازه می‌دهد فضای توافق را خودشان انتخاب کنند به جای این که آن را به شخص دیگری مثل قاضی واگذار کنند؛ بنابراین مسوولیت نتایج را نیز به عهده خود طرفین می‌گذارد. در ایالات متحده کدهای رفتار میانجی بر مشتری محور بودن راه‌حل‌ها به جای راه‌حل‌های تحمیلی تأکید می‌کند؛ و این روال معمول، تعریف شده میانجی‌گری در آمریکا و انگلیس است.

۲-۳ میانجیگر باید دارای چه ویژگی‌هایی باشد

این فرد می‌تواند از میان معتمدان محلی یا دانش‌آموختگان رشته‌های مختلف با اولویت مددکاری اجتماعی، علوم تربیتی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، حقوق و فقه و مبانی حقوق انتخاب شود. البته به تشخیص مقام قضایی، موضوعات کیفری می‌تواند به مؤسسه میانجی‌گری ارجاع شود. در این صورت، مسئول مؤسسه مزبور درباره میانجی‌گری به قاضی پرونده پاسخ می‌دهد. البته فهرستی از اشخاص واجد صلاحیت میانجی‌گری در هر حوزه قضایی از سوی رئیس حوزه قضایی محل تهیه و صلاحیت آنان از سوی مقام قضایی بررسی و تایید می‌شود. در قانون ویژگی‌هایی کلی برای میانجی‌گر بر شمرده شده است، از جمله داشتن وثاقت، تابعیت جمهوری اسلامی ایران. برای میانجی‌گری در مورد اتباع ایرانی، نداشتن سوء شهرت و دارای حداقل ۲۵ سال سن را می‌طلبد.

۲-۴ میانجی‌گری بر عهده چه نهادهایی گذاشته شده است

برابر قانون، میانجی‌گرها عبارت‌اند از شورای حل اختلاف و همچنین شخص یا مؤسسه‌ای که فرایند گفت‌وگو و ایجاد سازش بین طرفین امر کیفری را مدیریت و تسهیل کند.

۳- شوراهای حل اختلاف

مردم در کشور ما اغلب برای احقاق حقوقشان به فکر رفتن به دادگاه ها و ثبت شکایت می افتند حجم زیاد مراجعه مردم به دادگاه ها باعث شده که قانون گذار مرجع حل اختلاف دیگری را بوجود آورد تا از تعداد پرونده های دادگاه ها کاسته شود. رسیدگی به شکایت در شورای حل اختلاف تاحدی متفاوت با دادگاه است، شورای حل اختلاف همانطور که از نام آن برمی آید مرجع حل اختلافی است که به دعوی باسقف مشخص رسیدگی میکند. این شورا برای رسیدگی به برخی از اختلافات دارای صلاحیت اجباری است و طرفین اختلاف نمی توانند دعوایشان را به جز شورای حل اختلاف در جای دیگری مثل دادگاه مطرح کنند و تنها شورای حل اختلاف صلاحیت و اجازه رسیدگی به این مسائل را دارد.

۱-۳ ترویج فرهنگ سازش

یکی از اقدام های نیک انسانی که حتی پیش از قانونگذاری مدون در کشور صورت می گرفت حل اختلاف از طریق حکام، مجتهدان شرعی و ریش سفیدان بود. این موضوع به قدری اهمیت داشت که حدود ۱۰۴ سال قبل یعنی در سال ۱۲۹۰ برای نخستین بار در قانون موقتی «اصول محاکمات حقوقی» به عنوان یک راهکار برای حل و فصل اختلافات اندیشیده شد. بر اساس این قانون، داوری و رسیدگی به اختلافات از طریق صلح و سازش در صلاحیت محاکم قضایی قرار داده شد و بعدها هم به مرور در قبل و بعد از انقلاب اسلامی قوانین مختلفی در این باره تصویب شد. تا اینکه با توجه به افزایش جمعیت و بروز اختلاف های حقوقی بین مردم مراجعه به دادگستری برای حل و فصل مشکلات زیاد شد. از این رو با افزایش پرونده های ورودی به مراجع مختلف دادگستری و تقاضای مردم برای رسیدگی سریع و دقیق به شکایت شان، این نیاز احساس شده که برخی اختلاف ها و مشکلات ساده تر مردم از طریق صلح و سازش و داوری حل شود. از این رو در سال ۱۳۸۰ تشکیل نهادی تحت عنوان شورای حل اختلاف در قوانین کشور پیش بینی و یک سال بعد نیز آیین نامه اجرایی آن تأیید و شوراهای حل اختلاف با همکاری مردم، قضات و خیرین در سراسر کشور شروع به فعالیت کردند. از آنجا که وظیفه اصلی این نهاد رسیدگی به اختلافات مردم بر پایه صلح و سازش است آمار پرونده های ورودی به مراجع قضایی و اطاله دادرسی کاهش یافت. آثار مثبت اجرای این قانون نیز تا آنجا بوده که حتی رهبر معظم انقلاب چندی قبل در دیدار با مسئولان قوه قضائیه، نقش شوراهای حل اختلاف را در کاهش تعداد زندانیان و آثار و تبعات آن در جامعه بسیار مهم دانسته و بیان داشتند که باید با تمرکز بر راه حل های مختلف برای علاج آن فکری جدی کرد.

۲-۳ شوراهای حل اختلاف چه ساختار و وظایفی دارند

به طور کلی شورای حل اختلاف، یک نهاد مردمی، بالنده و دارای ریشه اصلاح و میانجیگری و به معنای حاکمیت بخشیدن اراده مردم در رسیدگی به امور قضایی غیر مهم از سوی نمایندگانی از مردم است یعنی آنچه درباره شورای حل اختلاف انتظار داریم اصلاح ذات البین، هدایت مردم و نهادینه کردن فرهنگ ناب صلح و سازش است که الهام گرفته از فقه امامیه است. یک موضوع کلی این است که اعضای اصلی شوراهای حل اختلاف از قضات دادگستری هستند و در بسیاری از موارد هم دیده شده که برای حل و فصل برخی پرونده‌ها از آرای قضایی استفاده می‌شود. و در کنار آن به طور کلی و براساس وظایف تعریف شده در شوراهای حل اختلاف باید به بررسی و آسیب شناسی و پیگیری معضلات و مشکلات موجود در جامعه پرداخته شود. این در حالی است که هم اکنون بسیاری از نقاط ضعف و قوت در این حوزه مورد بررسی قرار گرفته و بازرسی‌های مداوم نیز صورت می‌گیرد. همچنین برای ارتقای شوراهای حل اختلاف به طور مرتب به اعضای شورا آموزش‌های لازم داده می‌شود.

۳-۳ شورای حل اختلاف و داوری

بموجب ماده ۲۰ آیین نامه اجرایی ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه و ماده ۱۳۴ قانون برنامه چهارم توسعه در مواردی که شورابه عنوان داور مرضی الطرفین به منازعه و اختلاف رسیدگی کند رعایت مقررات مربوط به داوری مذکور در مواد ۴۵۴ الی ۵۰۱ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی الزامی است براین اساس داوری در مصادیق مختلف با وظایف شوراهای حل اختلاف مرتبط است که عبارتست از:

۱- شورای حل اختلاف به عنوان شخص حقوقی و مجزا از شخصیت اعضای تشکیل دهنده میتواند داور واقع شود چنین تاسیسی در سیستم حقوقی کشور ایران که داوری شخص حقوقی را تجویز میکند قابل توجه است. براین اساس پرونده هایی که در محاکم دادگستری مطرح است یا در قراردادهای خصوصی که اشخاص تنظیم میکنند شورای حل اختلاف معینی می تواند به تراضی طرفین به عنوان داور انتخاب شود.

۲- شورای حل اختلاف در رسیدگی به موضوعات مدنی که در صلاحیت آن است در حدود نصاب و بالاتر از نصاب براساس تراضی و با وجود سایر شرایط قانونی موضوع مقررات اشاره شده میتواند موضوع رابه داوری ارجاع نماید.

۴-۳ نقش شورای حل اختلاف در فرهنگسازی صلح و سازش در جامعه

تشکیل شورای حل اختلاف در جهت حل و فصل اختلافات در دادگاه‌ها و مراکز قضایی رسمی در عرصه قضاوت یکی از برنامه‌های مهم از سوی قوه قضاییه بود. اقدامی که امروز کار به جایی رسیده است که سال

گذشته از سوی رییس این نهاد اعلام شد که ۳۳ درصد پرونده‌های قضایی در سراسر کشور با ورود شورای حل اختلاف منجر به صلح و سازش شده است. در واقع شکل‌گیری شوراهای حل اختلاف توانست با رسیدگی به اختلافات و دعاوی کوچک، بخشی از بار دستگاه قضایی کشور را کاهش دهد چراکه مهم‌ترین وظیفه این نهاد، صلح و سازش و رسیدگی به اختلافات است که با این اقدام ویژه شاهد بهبود وضعیت و کاهش پرونده‌ها هستیم. این در حالی است که کاهش مراجعات به مراکز قضایی و افزایش صلح و سازش از جمله مزایای اقدامات شوراهای حل اختلاف است که می‌تواند موانع را از میان بردارد و پرونده‌ها با سرعت بیشتری مورد رسیدگی قرار گیرد، همچنین نکته مهم و کلیدی در این راستا این است که این شورا منجر به گسترش و نهادینه شدن گذشت و صلح و سازش در جامعه می‌شود، چراکه این نهاد با هدف اینکه گذشت باید به یک فرهنگ عمومی تبدیل شود، گام برمی‌دارد. در واقع باید فرهنگ صلح و سازش را در جامعه گسترش دهیم تا تبعات اجتماعی اختلافات در جامعه کم شود چراکه بخشش، سازش، عفو و گذشت یک اصل اساسی در فرهنگ اسلامی است که در حال حاضر دادگاه‌های حل اختلاف با همین رویکرد موجب شدند تا بار سنگین از دوش قوه قضاییه برداشته شود و شرایط را به شکلی فراهم کردند که حتی ورودی پرونده به دادگاه‌ها کاهش یابد.

۴- اعتراض به رای داور

رای داور اگرچه توسط شخص یا اشخاصی صادر می‌شود که طرفین انتخاب نموده و یاداران انتخاب آن دخالت نداشته اند، اما ممکن است محکوم علیه، آنرا عادلانه تشخیص ندهد و یا حتی به حقوق شخص ثالثی که در تعیین داور شرکت نداشته خلل وارد آورد. به همین منظور طرق شکایت نسبت به رای داور نیز پیش بینی شده است. این جهات ممکن است در قالب یکی از موضوعات ذیل مطرح شود:

رای داور در مطلبی که موضوع داوری نبوده صادر شده باشد.

رای داور پس از انقضای مدت داوری صادر و تسلیم شده باشد.

صدور رای بوسیله ی داوران غیر مجاز.

بی اعتباری موافقت نامه ی داوری.

۴-۱ عوامل زوال داوری

بعد از تعیین داور یا داوران، طرفین حق عزل داوران را ندارند مگر در صورت تراضی و توافق باهم می‌توانند داور را عزل کنند. این امر در خصوص داور اختصاصی هم حاکم است یعنی برای عزل وی باید طرفین تراضی کنند. طبق ماده ۴۸۱ قانون آیین دادرسی مدنی عوامل موجب زوال داوری را عبارتند از :

ترازی کتبی طرفین دعوای چندایجاد قرار داده نحو شفاهی صورت گرفته باشد.

فوت یا حجر یکی از طرفین دعوا.

ورشکستگی یکی از طرفین دعوا.

انحلال شخص حقوقی در صورتیکه یکی از طرفین و یا هر دو شخص حقوقی باشد.

۲-۴ هدف از اعتراض به رأی داور

از لحاظ حقوقی، توافق و تراضی به داوری، متضمن این تعهد ضمنی نیز است که طرفین ملزم به اجرای رأی می‌باشند. چون طرفین بامیل و رغبت خود به داوری رجوع می‌کنند. معمولاً محکوم علیه، رأی را طوعاً و بارغبت اجرا می‌کند و کمتر پیش می‌آید که محکوم له برای اجرای رأی داوری مجبور شود از طریق اجبار، درخواست اجرای رأی را از دادگاه‌های دادگستری بخواهد. این از امتیازات اجرای رأی داوری است. اما این امتیاز زمانی کامل و قابل دفاع است که ضمانت اجرای خاصی را برای طرفین در نظر گرفته شود. به عبارت دیگر باید این امتیاز را برای محکوم علیه نیز در نظر گرفت تا در صورتی که رأی را غیر صحیح و ناعادلانه دانست بتواند به آن اعتراض کند و درخواست ابطال آن را بخواهد. بنابراین باین حال می‌توان هدف اعتراض را چنین تعریف کرد: حمله‌ی طرف بازنده (محکوم علیه)، به صحت و اعتبار رأی صادره توسط مرجع داوری است تا به ابطال تمام یا بخشی از آن ختم شود اگر رأی در مرحله‌ی اعتراض باطل شود اعتبار قانونی خود را از دست می‌دهد و اگر رأی باطل نشود در بعضی از کشورها رأی را به داوری برمی‌گردانند تا اصلاحاتی در نکات حکمی یا مسائل موضوعی صورت دهد و رأی دیگر صادر نماید. این روش در قوانین موافقانون نمونه داوری آنسیترا ل مورد قبول قرار نگرفته است.

۳-۴ آثار رأی معتبر

در هر نظام حقوقی ملی، رأی داور همانند حکم دادگاه دارای اثری است. آنچه مسلم است این است که رأی داور به هر کیفیت و نظر قابل اجرا نیست. اعتبار آرای داوری، بر طبق شرایط شکلی و ماهوی نظام حقوقی کشور مبدأ تضمین می‌گردد و متأثر از قرار داد داوری و قانون مربوطه است. قانون داوری، تضمینی است بر اینکه رأی داوری از کلیه الزامات رسمی و قواعد اجباری محل صدور تبعیت کرده و واجد شرایط لازم برای اجرا می‌باشد. اهتمام مراجع داوری بر این است که آرای داوری صادره صحیح، معتبر و قابل اجرا باشند. آراء معتبر، توانایی اجرای آنها را نزد دادگاه‌های ملی افزایش داده و خطر اعتراض یا تجدید نظرخواهی را به حداقل می‌رساند.

۴-۴ تفسیر رای دوری

هرگاه مفاد رای دوری اجمال و ابهام داشته باشد و هنگام اجرای آن اصحاب دعوی با اشکالاتی مواجه شوند، به داور یا داوران اجازه داده می‌شود تا با تفسیر آرای خود، از آن رفع ابهام نمایند. منظور از تفسیر رای، تعیین مدلول حقیقی رای و ابهام زدایی آن است؛ به عبارت دیگر، کشف وجستجوی ظهور الفاظ رای دوری برای تعیین حد شمولان و تعیین حقوق و تعهدات طرفین است. بدیهی است در مقام تفسیر، امکان توسعه و تکمیل دلایل توجیهی رای برای داوران مقدور و میسر نیست. رای تفسیری از همان اعتبار رای اصلی برخوردار است. با توجه به قاعده فراغ داور که به عنوان اصل کلی پذیرفته شده است و تفسیر مضیق استثنائات، تاکید این نکته لازم است که داور یا داوران نمیتوانند برای برطرف کردن عیوب یا نقایص در امر استدلال تحت عنوان تفسیر رای، عمل کنند. دادگاه هم نمیتواند احکام یا قرارهای صادره را از جهت نقص در استدلال، مورد تفسیر قرار دهد. تفسیر رای در بعضی نظامهای حقوقی در حدی مقدور است که با تصمیم دادگاه صورت گیرد؛ زیرا، با صدور رای، مرجع دوری بلافاصله منحل شده و از بین میرود؛ اما در کشورهای دیگر، برعکس امکان دارد رای دوباره به مرجع دوری که صلاحیت آن از نوبر قرار می‌گردد ارجاع شود.

نتیجه گیری

در پایان، نتیجه گیری را با چهار ویژگی مهم دوری جمع بندی کرده و به موارد زیر می‌پردازیم.

اولین و مهم ترین ویژگی دوری؛ قراردادی است که طی آن طرفین به داور اختیار می دهند که اختلافشان را رسیدگی نماید. در واقع این قرارداد حدود و ثغور اختیار و صلاحیت داوران را تعیین می نماید و داوران حق ندارند خارج از این محدوده تصمیم گیری نمایند. در واقع این ویژگی است که دوری را از رسیدگی قضایی جدا میکند؛ چرا که صلاحیت دادگاه ها به موجب قانون است.

دومین ویژگی این که داورها هم رای لازم الاتباع صادر می کنند. به عبارت دیگر؛ داوران برای صدور آراء نیازی به جلب نظر و توافق طرفین ندارند و رای صادره می تواند خلاف نظر یکی از طرفین و یا هر دو طرف باشد.

ویژگی سوم دوری این است که رای صادره از سوی داوران باید مستند به اصول و مبانی حقوقی باشد. داوران نمی توانند بدون توجه به قوانین و مقررات حاکم بر اختلاف و قرارداد موجود رای صادر کنند و همچنین آراء آن ها باید مستند و توجیه حقوقی داشته باشد. این بدین معناست که داوران حق ندارند اختلاف را به نحو

کدخدا منشانه حل کنند، مگر اینکه طرفین به نحو صریح این اختیار را به داوران داده باشند (به این دلیل که به هر نحو توافقنامه داوری یک قرارداد خصوصی و بر مبنای توافق طرفین است.

ویژگی چهارم؛ نهایی و الزام آور بودن رای داوران است. ارجاع اختلاف به داوری مساوی است باتمایل به اجراء آرائی که قطعی است و مصون از هرگونه پژوهش و تجدیدنظر خواهی است. در داوری های امروزه اصل بیطرفی و استقلال داور از اصول اساسی به شمار می آید. داور هر چند منتخب طرف دعوی و اختصاصی باشد، نماینده او نیست بلکه نوعی قاضی است که حل و فصل اختلاف و اجرای عدالت را به عهده دارد و از این رو باید بیطرف و مستقل باشد. در مورد داوراخصی رویه ایالات متحده بر این بوده است که داور مزبور ممکن است بر اساس توافق طرفین، نماینده طرف دعوی باشد، ولی این رویه هیچگاه در اروپا پذیرفته نشده است. و به هر حال در داوریهایی کنونی استقلال و بیطرفی از شرایط و اوصاف اساسی داور محسوب می شود، اعم از اینکه داوراخصی باشد یا مشترک.

منابع

معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری خراسان رضوی

محمد، معین فرهنگ معین امیرکبیرتهران ۱۳۵۳ج ۲

دکتر جعفر لنگرودی، محمدجعفری ترمینولوژی حقوق چاپ دوم

قوه قضائیه معاونت آموزشی سازش و داوری در شوراها حل اختلاف

شوراهای حل اختلاف قوانین و مقررات ایران ۲ حل اختلاف

ابی جعفر محمد بن حسن بن علی طوسی المبسوط تهران چاپخانه حیدری ج ۸ ص ۱۱ به نقل از محمدزاده اصل

تارنمای پژوهشگاه قوه قضائیه ۶ فروردین ۱۳۹۶

ویژگی و اقسام رای داوری و هدف از اعتراض به آن

سیفی جمال ۱۳۷۷ قانون داوری تجاری بین المللی ایران همسو با قانون نمونه آنسیترا "، مجله حقوقی دفتر

خدمات حقوقی بین المللی، شماره ۲۳

شمس، عبدالله ۱۳۸۱ آئین دادرسی مدنی جلد ۲ چاپ اول تهران نشر میزان

موافقتنامه داوری و صلاحیت دادگاه مجله تحقیقات حقوقی شماره ۳۷

لئو جولیان دیام میستلیس لوکاس ای کرول استفان ام ۱۳۹۱

کاتوزیان ناصر ۱۳۸۳ اعتبار امر قضاوت شده در دعوای مدنی، چاپ ششم تهران نشر میزان

واحدی قدرتالله آئین دادرسی مدنی چاپ دوم تهران نشر میزان ۱۳۸۰

محمدجعفر ۱۳۵۸ دانشنامه حقوقی جلد ۵ چاپ اول تهران انتشارات امیرکبیر

Agardy, Peter (۲۰۰۹), 'Mediation and the insolvency practitioner Insolvency
۱۴۶-۱۳۵ Law Journal Thomson Reuters Vol ۱۷. No.۳ September Pages

Mediation Principles Processes Practice, Australia Butterworth ۲۰۰۵ Boulle

Peer Mediation: Citizenship and Social Inclusion in Action. ۲۰۰۷ H Cremin
Maidenhead: Open University Press

. Dispute Resolution Guidebook Ligare Pty Ltd, Riverwood NSW). ۲۰۰۰
Erskineville NSW: Star Printery Pty Ltd

The Mediator's Handbook Skills and Strategies for ۲۰۰۴ M Dewdne R Charlto
Practitioners